

تضعیفات و توثیقات سهل بن زیاد در تراوی داوری

علی کربلایی پازوکی*

فاطمه نجفی پازوکی**

صالح حسن زاده***

چکیده

سهل بن زیاد آدمی، ملقب به رازی، یکی از راویان کثیرالحدیث شیعه است. این راوی محضر امام جواد و امام هادی و امام حسن عسگری علیهم السلام را درک کرده است. روایات زیادی از این راوی نقل شده است؛ مثلاً مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی بیش از ۱۵۰ مورد بدون واسطه از سهل بن زیاد روایت کرده است. اما در خصوص وثاقت و عدم وثاقت ایشان اختلاف نظر وجود دارد. اهمیت این بررسی در آنجا خودش را نشان می‌دهد که اثبات وثاقت سهل بن زیاد یا عدم آن تأثیر مهمی در حوزه معارف اعتقادی و فقهی شیعه خواهد گذاشت. برای تحقق این هدف، از شیوه اسنادی و روش توصیفی تحلیلی و در مواردی از روش تطبیقی استفاده شده است. این تحقیق با تتبع در سخنان اندیشمندان و کتاب‌های رجال به این حقیقت دست یافت که علت مهم تضعیفات وارد شده از ناحیه علمای متقدم در مورد سهل بن زیاد بازتاب دیدگاه سختگیرانه و تعریف مضیق آنان در مورد «غلو» است؛ ولی علمای متأخر تعریفی موسع‌تر داشته و در مورد غلو با آنان دارای اختلاف نظر بوده‌اند. از این رو از وثاقت سهل بن زیاد دفاع کرده و او را مورد اعتماد دانسته و روایات نقل شده از سهل بن زیاد را پذیرفته‌اند. از این رو بر مبنای سختگیرانه متقدمین او اهل غلو شمرده شده، اما بر مبنای تعریف موسع متأخرین و معاصرین، او مورد وثوق و اطمینان است. این پژوهش طبق بررسی انجام شده دیدگاه دوم را منصفانه‌تر می‌داند و به صرف وجود سهل در سند روایت، نمی‌توان آن را بی‌اعتبار دانست.

◀ کلیدواژه‌ها: سهل بن زیاد، علم رجال، وثاقت راوی.

* دانشیار، گروه کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / karbalaecipazoki@atu.ac.ir

** دانش‌پژوه سطح چهار حوزه (دکتری)، گرایش فقه خانواده، مرکز آموزش عالی امام حسن مجتبی، تهران، ایران /

yazahra822@yahoo.com

*** استادتمام، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران / hasanzade@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

۱. مقدمه

«سهل بن زیاد آدمی» از راویان کثیرالحدیث است که شمار روایات او به بیش از ۲۳۰۰ روایت می‌رسد (ترابی، ۱۴۱۹ق: ۴۷۰، ش ۶۰۸۴) و کنیه او «ابوسعید» ملقب به «رازی» و از اهالی ری بود. کشتی از نصر بن صباح نقل می‌کند «سهل بن زیاد آدمی رازی» پیشگاه شریف سه امام معصوم یعنی امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم‌السلام را درک کرده و در سال ۲۵۵ قمری با امام عسکری علیه‌السلام مکاتبه داشته که به وسیله محمد بن عبدالحمید انجام شده است (کشی، ۱۴۰۹ق: ۶). بنابراین سهل بن زیاد بی‌گمان در سال ۲۵۵ قمری زنده بوده است؛ ولی برآورد اینکه وی پس از تاریخ یادشده تا چه مدتی زنده بوده، بستگی به این دارد که بتوانیم روایت کردن جناب کلینی از او را ثابت نماییم که البته به نظر سخت می‌رسد؛ زیرا اگرچه در بیش از ۱۵۰ مورد، جناب کلینی بدون واسطه و مستقیم از سهل بن زیاد روایت کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۸۴، ۴۴۱، ۵۴۷؛ ج ۲، ۲۵۱، ۶۱۶، ۶۴۷؛ ج ۳، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۹؛ ج ۴، ۳۴ و ج ۵، ۱۸۷)، این گمان وجود دارد که واژه «عدة من اصحابنا»، «علی بن محمد» و مانند آن، که در سایر روایات کلینی از سهل وجود دارد، به اشتباه ساقط شده و یا خود جناب کلینی با اعتماد بر سندهای پیشین آن‌ها را حذف کرده باشد؛ افزون بر این، طبقه آن‌ها یکی نیست.

به‌رغم اینکه سهل بن زیاد از راویان کثیرالحدیث است و روایات زیادی از ایشان در کتاب شریف کافی نقل شده است، درباره وثاقت و عدم وثاقت او اختلاف نظر وجود دارد. بیشتر فقها تا پیش از محقق بهبهانی، سهل بن زیاد را تضعیف کرده و به روایات او اعتماد نمی‌کنند؛ اما محقق بهبهانی در *تعلیقه علی منهج المقال* (بی‌تا: ۱۷۶) و کتاب *مصابیح الظلام* (۱۴۰۲ق: ج ۲، ۴۹۶) در پی اثبات وثاقت سهل بن زیاد است. پس از محقق بهبهانی نیز بسیاری از محققان قائل به وثاقت او یا دست‌کم اعتبار روایات او شده‌اند. سؤال ما این است که مبنای تضعیفاتی که در مورد سهل بن زیاد وارد شده چیست؟ آیا این تضعیفات در مورد او صحیح است؟ و آیا توثیقاتی که در مورد سهل بن زیاد وارد شده قابل دفاع هست یا نه؟ در این پژوهش، ابتدا به بررسی دیدگاه تضعیف و ادله آن پرداخته شده و در ادامه نیز ادله توثیق آمده است. اهمیت پرداختن به این موضوع در آن است که با اثبات وثاقت سهل بن زیاد، روایات زیادی که از ایشان نقل شده، قابل

استناد خواهد شد و تأثیر شگرفی در حوزه معارف اعتقادی و فقه خواهد گذاشت. در مورد وثاقت یا عدم وثاقت سهل بن زیاد در کتاب‌های رجالی، مثل *رجال نجاشی*، *رجال شیخ طوسی* و *رجال ابن غضائری* و کتاب‌های دیگر رجالی اظهار نظر شده است که به قرن پنجم به بعد برمی‌گردد. اما پژوهش‌های انجام‌شده به صورت مقاله و کتاب درباره وثاقت یا عدم وثاقت سهل بن زیاد عبارت است از: کتاب *سهل بن زیاد در آئینه علم رجال* (مهدوی، ۱۳۸۹ش) که در آن به معرفی مشایخ و راویان سهل بن زیاد و بررسی دیدگاه رجالیان درباره سهل پرداخته است؛ کتاب *دراسة فی شخصیه سهل بن زیاد و روايته* (مسجدی، ۱۳۹۵ش) به زبان عربی که به بررسی شخصیت سهل و راویان از او و مشایخ سهل پرداخته است. کتابی دیگر هم با عنوان *سهل بن زیاد بین الوثاقتة والضعف* نگاشته محمدجعفر طبسی (۱۴۳۳ق) است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر مقاله علمی است، فرق آن با کتاب کاملاً آشکار است. یک مقاله با عنوان «بررسی شخصیت رجالی حدیثی سهل بن زیاد» (مهدوی، ۱۳۹۵ش) وجود دارد، اما محورهای بحث این دو مقاله باهم یکی نیست و کیفیت استدلال بر وثاقت و عدم وثاقت سهل باهم تفاوت دارد و شاید بتوان گفت مکمل یکدیگرند. در این مقاله، افزون بر نظرات علمای متقدم و متأخر، نظرات علمای معاصر مانند امام خمینی علیه السلام، آیت‌الله خویی، آیت‌الله اراکی، آیت‌الله شبیری زنجانی و آیت‌الله سبحانی تبریزی نیز آمده است. علاوه بر اینکه مقاله آقای مهدوی به سرگذشت و اساتید و تألیفات سهل بن زیاد هم پرداخته و همین امر سبب بیشتر شدن حجم مقاله گردیده است. چند مقاله دیگر هم که در ضمن مقاله به سهل بن زیاد پرداخته شده است، وجود دارد؛ از جمله: «جستاری در آموزه‌های امامتی سه تن از راویان متهم به غلو و نشانه‌های باورپذیری آن‌ها» (حسینی، ۱۳۹۵ش)، «نگاهی تحلیلی به رفتار احمد بن عیسی در تبعید برخی از راویان» (کرمی، ۱۳۹۷ش) و «جستاری در رویکردهای ابن غضائری به توثیق رجال همراه با واکاوی مفهوم غلو در اندیشه رجالی» (ایزدی، ۱۳۹۷ش). با توجه به اینکه این سه مقاله فقط به بحث غلو پرداخته‌اند، به زاویه‌های دیگر پرداخته نشده است. پژوهش حاضر علاوه بر اتهام غلو به سهل بن زیاد، به دلایل دیگر نیز پرداخته است. در پایان به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در مورد بررسی شخصیت رجالی سهل بن زیاد فقط مقاله آقای مهدوی نگاشته شده،

۲۷۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۲۷۱-۳۰۲

جای پرداختن به این موضوع در مقالات نیز دیگر وجود دارد.

۲. دیدگاه تضعیف

برخی از بزرگان به ضعف و عدم اعتماد به روایات سهل بن زیاد آدمی تصریح یا اشاره کرده‌اند: مانند

- محقق حلی در المعتمد (۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۶۱)، نکت النهایه (۱۴۱۲ق: ج ۲، ۱۷۷) و رسائل التسع (۱۴۱۳ق: ۱۲۹)؛

- فاضل آبی در کشف الرموز (۱۴۱۷ق: ج ۲، ۲۴۰ و ۶۵۱)؛

- یحیی بن سعید حلی در نزهة الناظر (۱۳۸۶ق: ج ۱، ۴۹).

- علامه حلی در تذکرة الفقها (بی تا: ۴۷۹)، مختلف الشیعه (۱۴۱۳ق: ج ۹، ۲۳۰) و

منتهی المطلب (۱۴۱۲ق: ج ۹، ۴۳۹)؛

- فخر المحققین در ایضاح الفوائد (۱۳۸۷ق: ج ۳، ۴۰۱)؛

- ابن فهد حلی در المهذب البارع (۱۴۰۷ق: ج ۳، ۴۹۰ و ۵۲۵)؛

- شهید ثانی در روض الجنان (۱۳۸۰ش: ۱۶۴) و مسالک الافهام (۱۴۱۳ق: ج ۸،

۱۵۹) و رسائل الشهید الثانی (۱۴۲۱ق: ج ۱، ۴۵۹)؛

- محقق اردبیلی در مجمع الفائدة والبرهان (بی تا: ج ۱، ۳۱۳ و ج ۶، ۴۲۹)؛

- آیت الله خویی در معجم الرجال الحدیث (بی تا: ج ۹، ۳۵).

۲-۱. ادله تضعیف سهل بن زیاد

منشأ عدم اعتماد به روایات سهل بن زیاد، عبارات برخی از علمای رجال است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. کشی (م حدود ۳۴۰ق) از علی بن محمد القتیبی نقل کرده، فضل بن شاذان (م ۲۶۰ق) برخی از راویان را مدح و ستایش کرده، اما در مورد سهل بن زیاد اظهار رضایت نکرده و از او با عنوان احمق تعبیر کرده است: «... لا ترتضی اباسعید الأدمی ویقول: هو الاحمق» (کشی: ۱۴۹۰ق: ۵۶۶).

ب. ابن ولید (م ۳۴۳ق) از روایات محمد بن احمد بن یحیی در کتاب نوادر الحکمه روایات سهل بن زیاد را استثنا کرده است: «... کان محمد الحسن بن الولید یستثنی من روایة محمد بن یحیی ما رواه... عن سهل بن زیاد آدمی» (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۴۸).

ج. ابوالعباس بن نوح (م حدود ۴۲۰ق) و شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) استثنای سهل بن زیاد از رجال نوادر الحکمه را پذیرفته‌اند (همان: ۳۴۸).

د. ابن غضائری (م ۴۵۰ق) گفته است: «کان ضعیفا جدا فاسد الروایة والدین وکان احمد بن عیسی اشعری اخرجه من قم واطهر البرائة منه و نهی الناس عن سماع منه و الروایة عنه ویروی المراسیل و یعتمد علیه المجاهیل» (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۵۹، ۶۶ و ۶۷)؛ ... سهل بن زیاد ضعیف است، فاسد الروایة و دین است و احمد بن عیسی اشعری او را از قم بیرون کرد و برائت خود از او را آشکار کرد و مردم را از شنیدن و روایت کردن از او نهی کرد؛ چون روایات را از افراد مجهول نقل می‌کرد.

ه. نجاشی (م ۴۵۰ق): «کان ضعیفا فی الحدیث غیر معتمد فیه وکان احمد بن عیسی قمی یشهد علیه بالغلو و الکذب و اخرجه من قم الی الری وکان یسکنها»؛ ... سهل بن زیاد در حدیث ضعیف است و قابل اعتماد نیست و احمد بن عیسی قمی او را از قم بیرون کرد در ری ساکن کرد... (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۵).

و. شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در کتاب الفهرست خود (۱۴۲۰ق: ۸۰) به ضعف سهل بن زیاد تصریح و در کتاب استبصار (۱۳۹۰ق: ج ۳، ۲۶۱، ح ۹۳۵) به ضعف بودن سهل نزد ناقدان اخبار اشاره کرده است.

۲-۲. تبیین تضعیفات

تضعیفات را که در مورد سهل بن زیاد گفته شده است، در ضمن چند مورد بررسی می‌کنیم:

۲-۲-۱. عبارت نجاشی

نجاشی درباره سهل بن زیاد گفته است: «کان ضعیفا فی الحدیث غیر معتمد فیه» (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۵). این عبارت بیانگر ضعف خود سهل بن زیاد نیست؛ زیرا نجاشی گفته است او در نقل حدیث ضعیف است و نمی‌توان به احادیث او اعتماد کرد نه اینکه خودش شخص ضعیفی است.

تضعیف راویان سند در بیان نجاشی گاه همراه با ذکر جهت ضعف راوی است و گاهی بدون ذکر سبب. در مواردی که جهت ضعف بیان شده، گاهی ضعف مربوط به خود راوی است؛ مثل وصف کذاب و غالی که باعث بی‌اعتباری اوست و گاه مربوط به

روش و سیرهٔ راوی در تحمل، ضبط و نقل احادیث است، مثل فراوانی ارسال در روایت، شاذ بودن بیشتر روایات یک راوی، اختلاط و اضطراب در روایات، نقل از راویان ضعیف و اعتماد بر روایات مرسل (سجادی امین، ۱۳۹۵ش: ۴۳۶ و ۴۳۷). نجاشی در جملهٔ «کان ضعیفا فی الحدیث...» خود سهل بن زیاد را ضعیف ندانسته است، بلکه ضعف را به احادیث او نسبت داده که گویای نپذیرفتن روش او در نقل احادیث است و عبارت «غیر معتمد فیه» نیز بیانگر غیرقابل اعتماد بودن سهل بن زیاد در احادیث است. بسیاری از محققان از عبارت «ضعیف فی الحدیث» به نقل از ضعفا و اعتماد بر مراسیل رسیده‌اند. مثل صاحب جواهر در جواهر (نجفی، بی تا: ج ۱۴، ۳۳۸ و ج ۴۳، ۷۴): ... و عن النجاشی «أنه کان ضعیفا فی الحدیث» و عن ابن الغضائری (... یروی عن الضعفاء کثیرا و یعتمد المراسیل) الی آخره. ولا ینافی ذلک ما حکى من توثیق الشیخ والعلامة الطعن المذكور انما هو روایاته لا فی نفسه... صاحب جواهر می‌گوید: نجاشی در مورد سهل گفته او ضعیف در حدیث است و ابن‌غضائری هم گفته او از ضعفا نقل حدیث می‌کند و بر روایات مرسل اعتماد می‌کند. این مطالب منافات با توثیق شیخ طوسی و علامه ندارد؛ چون این طعن‌ها به روایات او برمی‌گردد نه به خود سهل بن زیاد.

۲-۲-۲. غلو

نسبت غلو به سهل بن زیاد توسط نجاشی از احمد بن محمد بن عیسی قمی نقل شده است. نجاشی در رجالش آورده: «کان احمد بن عیسی یشهد علیه بالغلو والکذب واخرجه من قم الی الری. کان یسکنها...»؛ احمد بن عیسی قمی به غالی بودن سهل شهادت داده است و او را از قم اخراج کرده و مجبور به سکونت در ری کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۵).

دربارهٔ انتساب غلو به سهل بن زیاد، توجه به دو نکته لازم است:

نکتهٔ اول:

یکی از جریان‌های انحرافی در تاریخ اسلام و به‌خصوص پیروان مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) اندیشهٔ غلو است. از این رو عالمان علم رجال همواره برای شناسایی روایانی که دربارهٔ امامان (علیهم‌السلام) به افکار غلوآمیز گرایش داشته‌اند، کوشش کرده‌اند.

در قرن چهارم هجری، میان دو گروه از علمای شیعه یعنی مکتب قم و مکتب بغداد،

درباره غلو اختلافی اساسی پدید آید. نتیجه اختلاف در معنای غلو سبب راه یافتن اجتهاد در علم رجال شد. بر همین اساس مکتب قم، معنای خاصی برای غلو بیان و برای فضایل امامان معصوم علیهم السلام محدودیت‌هایی تعیین کرده‌اند (نراقی، ۱۴۲۲ق: ۳۶) و به دنبال این اتهام، آن‌ها را به دروغ‌گویی و حدیث‌سازی نیز متهم می‌کردند (شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۱۵۵؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ۳۹۷).

با مراجعه به منابع رجالی، روشن می‌شود محققانی همچون نجاشی درباره تضعیفات قمیین به بهانه غلو، با تردید می‌نگریسته‌اند. برای نمونه می‌توان به شرح حال حسین بن یزید نوفلی (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۷)، احمد بن حسین بن سعید (همان: ۳۸)، محمد بن ارومیه قمی (همان: ۷۷)، محمد بن موسی بن عیسی همدانی (همان: ۳۲۹) و علی بن محمد قاسانی (همان: ۲۵۵) مراجعه کرد. شیخ طوسی نیز در برخی موارد تضعیف قمیین را در مورد برخی راویان مطرح کرده و سپس آن راوی را ثقه دانسته است؛ مثل یونس بن عبد الرحمن که تضعیف قمیین را به سبب غلو نپذیرفته است (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۶۸-۳۴۶).

نکته دوم:

ظاهراً عامل اصلی که باعث شهرت غلو و ضعف سهل بن زیاد شده، نظریه و عملکرد احمد بن محمد بن عیسی قمی در مورد این راوی است. احمد بن محمد بن عیسی در زمان خود، مرجعیت و ریاست علمی قم را بر عهده داشته است و آن‌چنان نزد مردم آبرومند بوده که او را با عنوان رئیس خود پذیرفته بودند. وی با راویانی که بر روایات مرسل اعتماد می‌کردند و یا از راویان ضعیف نقل روایت می‌کردند، برخورد و در مواردی آن‌ها را از قم اخراج می‌کرد. یکی از راویانی که احمد بن محمد بن عیسی با او برخورد کرد و به غلو و کذب او شهادت داد و در نهایت وی را از قم بیرون کرد، سهل بن زیاد است. بنابراین عملکرد او باعث شده تا دیگران نیز به تبع وی به سهل بن زیاد اعتماد نکنند. اگرچه احمد بن محمد بن عیسی از شخصیت‌های مهم و از راویان و فقیهان برجسته شیعه بوده است، دقت در سیره و عملکرد ایشان ما را به این مطلب می‌رساند که آرا و عملکرد ایشان در تعارض با آرای سایر شخصیت‌های بزرگ است و لازم است در مورد احمد بن محمد بن عیسی بررسی بیشتری انجام گیرد؛ به همین دلیل

ما به چند نمونه و شاهد از رفتارهای ایشان اشاره می‌کنیم:

• خرده‌گیری‌های بی‌مورد

از جمله شواهدی که نشان می‌دهد «احمد بن محمد بن عیسی» در اخراج برخی از افراد اشتباه کرده، سخن نجاشی راجع به «علی بن محمد بن شیره القاسانی» است. وی در ترجمه او می‌نویسد: «کان فقیها مکثرا من الحدیث فاضلا غمز علیه أحمد بن محمد بن عیسی و ذکر أنه سمع منه مذاهب منکره و لیس فی کتبه ما یدل علی ذلک» (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۵۶).

وی فقهی بود فاضل که زیاد حدیث نقل می‌کرد، «احمد بن محمد بن عیسی» بر وی خرده گرفت و گفته است که از او آرای منکری را شنیده است؛ درحالی‌که در کتاب‌های وی، چیزی که بر چنین انحرافی دلالت کند، وجود ندارد. اینکه نجاشی سخن «احمد بن محمد» را رد کرده نشان می‌دهد که خرده‌گیری‌های وی راجع به افراد مبنای چندان دقیقی نداشته است.

• اشتباه احمد بن محمد در اخراج خالد برقی

خود ایشان نسبت به اشتباه بودن اخراج برخی افراد از قم اذعان دارد؛ از جمله راویانی که او از قم اخراج کرد و سپس از او عذرخواهی کرد و او را برگرداند «احمد بن محمد بن خالد البرقی» است که از ثقات است. در ترجمه وی چنین آمده است: «کان أحمد بن محمد بن عیسی أبعده عن قم ثم أعاده إليها و اعتذر إليه» (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۳۹)؛ «احمد بن محمد بن عیسی» او را از قم تبعید کرد و سپس او را برگرداند و از او معذرت‌خواهی کرد.

• نقل روایات مخالف با عقل

داوری مرحوم کشی درباره روایاتی که «احمد بن محمد بن عیسی» در ذم «یونس بن عبدالرحمن» نقل کرده است. توضیح آنکه درباره یونس بن عبدالرحمن، دو گروه مختلف از روایت نقل شده است؛ بیشتر روایاتی را که در ذم و قده او نقل شده است، اهل قم گزارش کرده‌اند که احمد بن محمد بن محمد نیز جزو آنهاست؛ مثلاً در نقلی چنین آمده است: «آدم بن محمد» گفت: «علی بن محمد القمی» برایم نقل کرد که «احمد بن محمد بن عیسی» از «عبدالله بن محمد الحجال» برایش نقل کرده که گفت: نزد امام رضا علیه السلام

بودم که کتابی را برای ایشان آوردند که بخواند؛ پس آن را خواند سپس آن را به زمین کوبید و فرمود: «این کتاب زنازادهٔ فرزند زناکار است؛ این کتاب زندیقی است که در مسیر غیر رشد اوست» وقتی نگاه کردم، دیدم کتاب یونس است (کشی، ۱۴۹۰ق: ۴۹۶) کشی بعد از نقل این روایت و چند روایت شبیه به آن می‌نویسد: «قال أبو عمرو: فليظن الناظر فيتعجب من هذه الأخبار التي رواها القميون في يونس و ليعلم أنها لا تصح في العقل» (همان: ۴۹۷). کشی می‌گوید: هر بیننده‌ای به این روایاتی که اهل قم دربارهٔ یونس روایت کرده‌اند نگاه کند، تعجب می‌کند و می‌فهمد که آن‌ها روایاتی نیست که عقل حکم به صحتشان کند. به هر حال، اگر هم قرار باشد کسی را تضعیف کنند، از معصوم بعید است که چنین الفاظی را راجع به او به کار برد.

بنابراین، از دیگر لغزش‌های «احمد بن محمد بن عیسی» می‌توان به نقل این‌گونه روایات ناصحیح اشاره کرد که به گفتهٔ کشی عقلاً صحیح نیست و موجب تعجب وی شده است.

افزون بر آن، در ادامهٔ عبارت کشی، باز هم اقرار به اشتباه او آمده است. کشی در ادامهٔ عبارت فوق می‌نویسد: «ذلك أن أحمد بن محمد بن عيسى و علي بن حديد قد ذكر الفضل من رجوعهما عن الواقعة في يونس و لعل هذه الروايات كانت من أحمد قبل رجوعه» (همان: ۴۹۶).

نقل این روایات در حالی است که به گفتهٔ «فضل»، «احمد بن محمد بن عیسی» و «علی بن حدید» از بدگویی که دربارهٔ «یونس» کرده بودند، برگشته بودند که شاید نقل این روایات از طرف احمد مربوط به قبل از رجوع وی از این عقیده بوده است. مراد از گزارش فضل دربارهٔ این دو تن، این روایت است که در چند سطر قبل از این عبارت آمده است: فضل بن شاذان برای ما این‌گونه حدیث کرد که «احمد بن محمد بن عیسی» به خاطر بدگویی که دربارهٔ «یونس» کرده بود، توبه و استغفار کرد، و این به خاطر خوابی بود که دیده بود. همچنین «علی بن حدید» در باطن نسبت به یونس و هشام اظهار میل می‌کرد (همان: ۴۹۶). بر این اساس، «احمد بن محمد» دربارهٔ «یونس» نیز زود قضاوت کرده بوده و به همین جهت بعداً به خاطر خوابی که دیده بوده، پشیمان شده و از اینکه او را ذمّ می‌کرده، برگشته است و این شاهد دیگری است بر اینکه نظرات او اجتهادات

شخصی‌اش بوده و براساس مبنای صحیحی ارائه نمی‌شده است.

اجتهادی بودن اخراج سهل بن زیاد توسط احمد بن محمد بن عیسی شاهد دیگر بر اینکه اخراج «سهل بن زیاد» توسط «احمد بن محمد بن عیسی» اجتهادی از طرف او بوده و دلالتی بر ضعف سهل ندارد. این عبارت مجلسی پدر است که همین برداشت را کرده است. وی در *روضه المتقین* می‌نویسد: «احمد بن محمد بن عیسی» گروهی را به اعتبار روایت کردنشان از ضعف و آوردن مراسلاتی در کتاب‌هایشان، از قم اخراج کرده است. این کار اجتهادی از سوی او بوده است و این گروه آن روایات را به‌عنوان تأیید یا چون در کتب معتبره آمده بود، روایت کرده‌اند و ظاهراً «ابن عیسی» در اجتهادش خطا کرده است؛ ولی چون رئیس قم بوده [کسی اعتراض نکرده] و مردم طرفدار افراد مشهور هستند غیر از کسانی که خدا آن‌ها را حفظ کند، و اگر آنچه را کلینی درباره «احمد بن محمد بن عیسی» در باب نص بر امامت امام هادی علیه السلام روایت کرده بینی که در آن وی به‌خاطر تعصب جاهلی نص بر امامت را انکار می‌کند. به این دلیل که نمی‌خواسته کسی بر او مقدم شود و این عذر را بعد از اعتراف به آن گفته است، دیگر چیزی از او روایت نمی‌کنی، ولی او توبه کرده و امیدواریم که خدا توبه او را بپذیرد؛ البته بیشتر مردم تابع شهرت هستند (مجلسی، ۱۴۱۱ق: ج ۱۴، ۲۶۳).

مجلسی اول در کتاب *لواعص صاحبقرانی* نیز در این باره می‌نویسد: مرا از این تتبع یقین به هم رسیده است که حدیث او [سهل بن زیاد] ضعیف نیست و در رتبه کمتر از ابن عیسی نیست؛ اگر بهتر از او نباشد (همو، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۴۱۰).

با توجه به مطالب بالا، دو مطلب روشن می‌شود:

نخست آنکه اصلی‌ترین دلیل بر عدم وثاقت سهل بن زیاد در نگاه برخی از رجالی‌ها، دیدگاه و رفتار احمد بن محمد عیسی درباره این راوی است. و سرچشمه رفتارهای او، اعتقاد به غالی بودن سهل بن زیاد است؛ اما با توجه به باور غلط احمد بن محمد عیسی درباره مفهوم و مصداق غلو و اجتهادی بودن این باور و قوی بودن خطای ایشان در این اجتهاد، شهادت او در غالی بودن سهل بن زیاد پذیرفتنی نیست (همان: ۴۱۰).

دوم آنکه علت نسبت دادن کذب به سهل بن زیاد غالی بودن اوست. از آنجاکه احمد بن محمد بن عیسی براساس اجتهاد نادرست خود سهل بن زیاد را غالی می‌خواند، به تبع

ایشان دیگران هم به او نسبت کذب دادند. لذا غالی خواندن ایشان بی پایه است و نسبت کذب را هم نمی شود پذیرفت.

۲-۳. استثنا از کتاب رجال نوادر الحکمه ابن ولید

محمد بن حسن بن ولید، سهل بن زیاد را از رجال نوادر الحکمه استثنا کرده و همین ممکن است نشانه بر تضعیف سهل باشد. محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی مشهور به «ابن ولید» از فقها، محدثان و رجالی های بزرگ شیعه بوده است. وی از استادان شیخ صدوق بوده است. آنچنان شیخ صدوق به ایشان اعتماد داشته است که در کتاب من لا یحضره الفقیه تصریح می کند: هر حدیثی که ابن ولید صحیح نداند، من نیز صحیح نمی دانم (صدوق، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۵۵). با توجه به حساسیتی که ابن ولید در نقل احادیث داشتند، برخی راویان کتاب نوادر را استثنا کردند و روایات آنها را نپذیرفته است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۴۸). شیخ صدوق نیز به تبع استاد خود، استثنای این راویان را پذیرفته است. یکی از راویانی که در کتاب نوادر استثنا شده، سهل بن زیاد است و علت آن هم اموری مثل غلو و نقل روایات ضعیف است؛ اما همان طور که بیان شد، غلو ایشان ثابت نیست.

۲-۴. کلام فضل بن شاذان

مرحوم کشی به واسطه علی بن محمد قتیبی از فضل بن شاذان نقل می کند که وی درباره سهل بن زیاد گفته است: «هو الاحمق» (کشی، ۱۴۹۰ق: ۵۶۶). شکی در وثاقت و جلالت شأن فضل بن شاذان نیست. از این عبارت برمی آید گویا در نظر فضل بن شاذان مهم ترین اشکال سهل بن زیاد، حماقت و سبک مغزی او بوده است. چنین عبارتی در کتاب های رجالی و شرح حال راویان، برای انسان فاسدالعقیده یا فاسق به کار نمی رود و قاعداً باید برای کسی به کار رود که اصول لازم در تحمل و نقل حدیث را رعایت نکرده است و به تعبیر برخی محققان، این واژه برای کسی به کار می رود که حدیث را از هر کسی گرفته و در نقل آن حدیث احتیاط نکرده است (کرباسی، بی تا: ۵). بعید نیست فضل بن شاذان به دلیل بی دقتی سهل در اخذ احادیث و یا نقل روایاتی که در بردارنده معارف و اسرار اهل بیت علیهم السلام است، او را احمق دانسته و روشن است وجود چنین حالتی در سهل با وثاقت او منافاتی ندارد. برخی نیز وجه صدور کلام فضل بن شاذان را

شکستن فضای سنگین و بدبینی که علیه سهل وجود داشت، می‌دانند. فضل با چنین کلامی سعی داشته مردم به سهل بی‌اعتنا شوند و او را با این گمان که سبک‌مغز است و از گفته خود منظوری ندارد، رها کنند؛ زیرا او روایاتی نقل می‌کرد که مردم آن زمان به ژرفای آن پی نمی‌بردند و سهل را به غلو و دروغگویی متهم می‌کردند.

۲-۵. تضعیف شیخ طوسی

شیخ طوسی در کتاب فهرست خود درباره سهل می‌گوید: سهل بن زیاد ضعیف بوده و دارای کتابی است که ابن‌ابی‌جید آن را برای من نقل کرده است (محمد بن حسن طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۲۸، ش ۳۳۹). البته ایشان در *استبصار* هم سهل بن زیاد را تضعیف می‌کند، ولی در آن کتاب، تضعیف را بر دوش ناقدان اخبار (ارزیابی‌کنندگان حدیث) و ابن‌ولید می‌گذارد. وی می‌نویسد: «و أما الخبر الأول فراويه أبو سعيد الأدمي و هو ضعيف جدا عند نقاد الأخبار و قد استثناء أبو جعفر بن بابويه في رجال نوادر الحكم»؛ و اما خبر نخست، روایت ابوسعید آدمی است که در نزد ناقدین اخبار بسیار ضعیف می‌باشد و ابوجعفر بن بابویه آن را از *رجال نوادر الحكمه* استثنا کرده است (طوسی، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ۲۶۱). بنابراین به نظر می‌رسد شیخ به اندازه نجاشی درباره ضعف سهل بن زیاد قاطع نبوده است، پس سعی می‌کند به نقل دیدگاه دیگران بسنده کند و کلمه «ضعیف» را هم بر پایه گفته‌های دیگران درباره سهل به کار برد؛ از این رو سخنی از غلو و کجروی سهل به میان نمی‌آورد. پس شاید بتوان گفت: خود شیخ قائل به وثاقت سهل بوده است. دلیل محکمی که بر این ادعا دلالت دارد این است که شیخ طوسی در *تهذیب* نزدیک ۴۳۷ روایت و در *استبصار* نزدیک ۱۴۲ روایت از سهل بن زیاد نقل کرده که همین شمار بسیار، نشانه اعتماد ایشان به سهل است. افزون بر این، با جست‌وجو و دقت در میان این روایات می‌توان قراین بسیاری بر این مطلب یافت. برای نمونه، در بسیاری از موارد شیخ طوسی براساس روایت سهل فتوا می‌دهد درحالی‌که تنها مستند او همان روایت سهل است. شاید شیخ از آن جهت که بیش از نجاشی با متون فقهی و روایی سروکار داشته و روایت سهل را بیشتر مد نظر و مورد دقت قرار داده و نشانه‌ای از غلو و لغزش در آن‌ها ندیده است، کم‌کم درباره ضعف سهل بن زیاد مردد شده و در آغاز با احتیاط به تضعیف وی پرداخته است؛ ولی پس از چندی که به نوشتن کتاب *رجال* روی آورده، در آن کتاب

به روشنی قول به وثاقت سهل را برگزیده است. از این رو ممکن است این شهادت شیخ تنها خبری از مشهور بودن ضعف سهل بن زیاد در نزد اهل حدیث و ناقدین اخبار باشد و نه گویای دیدگاه واقعی خود شیخ طوسی درباره سهل؛ یعنی چه بسا شیخ بشخصه وثاقت سهل را پذیرفته بوده، ولی به خاطر احتیاط و احترام به اکثریت، باور خود را ذکر نکرده و تنها خبر از دیدگاه ایشان داده است؛ چنان که در کتاب رجال نیز در سه جا نام او را ذکر کرده ولی تنها در یک جا او را توثیق نموده است. پس گویا ایشان نمی خواسته بر دیدگاهی که خلاف مشهور بوده است پافشاری کند که البته این روش فقیهان پرهیزگار است.

همچنین درباره کتاب استبصار باید به این نکته توجه کرد که در این کتاب گویا عادت شیخ این است که هرگاه بخواهد روایتی را بر روایت دیگر ترجیح دهد و یا به هر علتی رد کند، حربه سند را به کار برده و ضعف راویان را یادآوری می کند؛ پس شاید بتوان گفت تضعیفات شیخ در استبصار نسبت به برخی از راویان، تنها برای علاج تعارض میان اخبار و ترجیح برخی از آنها بر یکدیگر و یا کنار گذاشتن آنهاست؛ یعنی تنها جنبه تأیید دارد. از این رو استشهاد به تضعیفات شیخ در استبصار بدون ملاحظه این نکته، از اتقان لازم برخوردار نیست. اکنون بر فرض که از همه این قراین و شواهد نیز بگذریم، به هر روی، تضعیف جناب شیخ نیز همانند تضعیف مرحوم نجاشی بر پایه عملکرد احمد بن محمد بن عیسی و ابن ولید بوده و از پایه ویران است (مهدوی، ۱۳۸۹ش: ۱۳۲).

۲-۲-۶. تضعیف سهل از سوی ابن غضائری

جناب ابن غضائری در کتاب رجال خود درباره سهل بن زیاد می نویسد: سهل بن زیاد ابوسعید آدمی رازی، جداً ضعیف بوده و روایت و مذهبش فاسد است و احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را از قم بیرون کرده و از او بیزاری جست و نیز مردم را از شنیدن روایت و نقل حدیث از وی بازداشت. سهل بن زیاد روایات مرسل را نقل و بر راویان ناشناس اعتماد می کرد (ابن غضائری، ۱۴۰۶ق: ۶۶). همچنین در ترجمه ذریح محاربی روایتی را نقل می کند، سپس می گوید: این روایت را ابوسعید سهل بن زیاد آدمی روایت کرده، ولی او بسیار در امر حدیث ضعیف است (همان: ۵۹).

البته در اینکه آیا صاحب کتاب رجال ابن غضائری، احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری است و یا پدر او، دچار اختلاف شده‌اند. بنابراین معلوم نیست که این کتاب منسوب به احمد بن حسین است که بر پایه قراین قوی وثاقت دارد و یا منسوب به حسین بن عبیدالله است که تنها متأخرین او را توثیق کرده‌اند (مامقانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۳۳۳).

برخی از محققان نیز اصل انتساب آن به ابن غضائری - اعم از پدر یا پسر - را نمی‌پذیرند، بلکه معتقدند این کتاب به دست دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام نگاشته شده و برای سرزنش و نکوهش یاران ائمه علیهم‌السلام به ابن غضائری نسبت داده شده است. ایشان ادله‌ای را برای اثبات مدعای خود می‌آورند که بازگویی آن‌ها در اینجا لزومی ندارد؛ از این رو ما از این اشکال هم چشم‌پوشی کرده و کتاب یادشده را از آن ابن غضائری فرض می‌کنیم و سپس به سراغ اشکال دیگری که درباره این تضعیف مطرح است می‌رویم.

اشکال این است که بسیاری از پیشینیان، مانند ابن غضائری و اهل قم، راویان احادیث را به خاطر اموری تضعیف می‌کردند که به‌راستی هیچ ارتباطی با ضعف یا وثاقت ایشان نداشت، بلکه تنها اموری اجتهادی و بر پایه حدس و گمان بود و به همین دلیل تضعیفات ایشان برای ما حجت نیست.

مرحوم میرداماد در راسحه دهم از کتاب *رواشح*، پس از طرح این بحث که شهادت رجالی باید بر پایه حس و یا نقل از کسی که شهادتش حسبی است، مبتنی باشد و نه بر اجتهاد، اقوال ابن غضائری را اجتهادی دانسته، می‌نویسد: «فأما ابن الغضائری فمسارع الی الجرح حرماً مبادراً الی التضعیف شططاً»؛ اما ابن غضائری با شتاب به جرح آشکار پرداخته و به تضعیف دور از حق روی می‌آورد (حسینی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۰).

و نیز در راسحه سی و پنجم می‌فرماید: ... این درحالی است که ابن غضائری در بیشتر موارد، با کوچک‌ترین دلیل در تضعیف افراد شتاب می‌کند (همان: ۱۷۵).

ناگفته نماند که برخی از اندیشمندان همچون مرحوم محمدتقی مجلسی، با توجه به همین تضعیفات که ابن غضائری در خصوص بزرگان انجام داده است، در عدالت و وثاقت او تشکیک و تردید کرده‌اند؛ یعنی همان راهی را رفته‌اند که خود ابن غضائری پیموده است؛ زیرا بر پایه پیش‌فرض‌های ذهنی خود و سنجش آن با دیدگاه‌های

ابن غضائری، وی را از وثاقت انداخته‌اند. ولی اگر ما بتوانیم عدم انتساب کتاب به ابن غضائری و یا اجتهادی بودن درون مایه آن را ثابت کنیم، از روش جناب مجلسی بهتر است. پس همان گونه که گذشت، ما با تقویت نظریه «اجتهادی بودن تضعیفات ابن غضائری» در حجیت تضعیفات وی ایجاد تردید می‌کنیم، بدون اینکه شخصیت خود وی را مورد سرزنش و نکوهش قرار دهیم.

آیت‌الله سبحانی درباره تضعیفات ابن غضائری کلامی را از مرحوم ابوالهدی صاحب *سما المقال* نقل می‌کند: ظاهراً ابن غضائری در دین خود بسیار غیرتمند بوده و از آن پشتیبانی می‌کرده است؛ به گونه‌ای که اگر کار بدی را می‌دیده، بدی آن نزد وی شدید و زشتی‌اش بسیار جلوه می‌کرده است؛ از این رو او صاحب آن عمل بد را به شدت مورد طعن و نکوهش و لعن قرار داده و آن را وحشت‌آور توصیف می‌کرده است. این نکته را می‌توان از سیاق عبارات وی به دست آورد؛ چراکه می‌بینیم دانشمندان رجالی دیگر در مقام تضعیف به ذکر کلماتی که ضعف را می‌رساند بسنده می‌کنند، برخلاف او که عنان قلم را در میدان رها کرده و راوی را به خباثت و اهل هلاک و لعنت بودن متهم می‌سازد و از این رو بر ضعف او پافشاری می‌کند... حاصل آنکه او بسیاری از امور کوچک را بزرگ جلوه داده و دارای روحیه ویژه‌ای بوده است که وی را به این کار وادار می‌کرده است... (جعفر سبحانی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۰).

نکته‌ای که در اینجا باقی می‌ماند، این است که ابن غضائری سهل بن زیاد را به روایت کردن از راویان ناشناخته و نقل مراسیل متهم می‌کند که با توجه به اساتید سهل بن زیاد، اتهام درستی به نظر می‌رسد؛ اما این آمار بر پایه تعداد عنوان‌هایی است که سهل نام آن‌ها را به عنوان شیخ خود برده است، ولی اگر شمار روایات را مد نظر قرار دهیم این نسبت دگرگون می‌شود؛ زیرا سهل بن زیاد بیش از ۹۰ درصد روایات خود را از طرق معتبر نقل کرده است؛ در نتیجه این مسئله منافاتی با نقل اجلاً از سهل بن زیاد ندارد (مه‌دوی، ۱۳۸۹ش: ۱۲۳).

افزون بر این، گمان می‌رود کسانی چون سهل بن زیاد برای ماندن این احادیث، آن‌ها را حتی از راویان ناشناس نیز نقل و در مواردی که نام راوی پیشین را نمی‌دانستند، آن را به صورت مرسل روایت می‌کردند تا این احادیث از میان نرود.

ممکن است کسی بگوید: این احتمال با تعبیر «يعتمد على المجاهيل» سازگاری ندارد، زیرا این تعبیر می‌رساند که تنها مجرد نقل نبوده است، بلکه اعتماد هم بوده است. در پاسخ می‌گوییم: اعتماد کردن یا اعتماد نکردن، یک امر نفسانی و درونی است و در بیشتر موارد کشف‌شدنی نیست، مگر به تصریح خود اشخاص؛ بنابراین چه‌بسا دیگران نقل کردن از راویان ناشناس را نشانه اعتماد بر ایشان بدانند، حتی اگر به‌راستی چنین نباشد (همان).

با توجه به مطالب عنوان‌شده اکثر تضعیفات سهل بن زیاد از جمله این‌غضائری بر پایه همان مطالبی است که در انتساب غلو به سهل بن زیاد و برخورد احمد بن محمد بن عیسی می‌باشد. بنابراین با روشن شدن وجه تضعیفات که درباره سهل بن زیاد مطرح شده است و نکاتی که در نقد این تضعیفات بیان شد، ضعف سهل بن زیاد پذیرفتنی نیست.

۳. دیدگاه توثیق

درمقابل، برخی سهل بن زیاد را ثقه دانسته یا دست‌کم به روایات او اعتماد کرده‌اند؛ از جمله:

مجلسی اول در روضة المتقین (۱۳۹۹ق: ج ۴، ۵۱۴ و ج ۸، ۱۴۰)، شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه (۱۴۰۲ق: ج ۳۰، ۳۸۸)، علامه مجلسی در الوجیزة فی الرجال (۱۳۸۷ش: ۹۱)، علامه وحید بهبهانی در مصابیح الظلام (۱۴۰۲ق: ج ۲، ۴۹۶) و حاشیه مجمع الفائدة والبرهان (۱۴۲۴ق: ۷۴۰)، و تعلیقات علی منهج المقال (بی‌تا: ۱۷۶)، محقق مازندرانی در منتهی المقال (۱۴۱۶ق: ج ۳، ۴۲۵-۴۲۹)، میرزای قمی در جامع الشتات (ج ۱، ۲۷۰)، محقق تستری در مقایس الانوار (بی‌تا: ۲۹۸)، شیخ انصاری در کتاب الصلاة (۱۴۱۵ق[الف]: ج ۱، ۷۱) و کتاب الطهارة (۱۴۱۵ق[ب]: ج ۴، ۳۰۴)، محقق مامقانی در غایة الآمال (۱۳۱۶ق: ج ۱، ۵۴)، محقق خوانساری در جامع المدارک (۱۳۵۵ش: ج ۷، ۲۷۹)، محقق داماد در کتاب الحج (۱۳۸۱ش: ج ۱، ۴۱۱)، امام خمینی در کتاب الطهارة (بی‌تا: ج ۵، ۲۲۳ و ج ۱، ۷۸) و کتاب المکاسب المحرمه (۱۴۱۵ق: ج ۲، ۲۱)، آیت‌الله اراکی در کتاب الطهارة (۱۳۷۴ش: ج ۲، ۱۳۳)، آیت‌الله فاضل لنکرانی در تفصیل الشریعه، النجاسات واحکامها (۱۳۹۰ش: ص ۱۴۶) و آیت‌الله شبیری زنجانی در کتاب نکاح

(۱۳۸۲ش: ج ۲۱، ۶۸۳۵).

۱-۳. ادله توثیق سهل بن زیاد

برای توثیق سهل بن زیاد و روایات او، به ادله‌ای از جمله ادله ذیل تمسک کرده‌اند:

۱-۱-۳. شیخ طوسی در کتاب رجال در سه مورد از سهل بن زیاد نام برده است: یک بار در میان رجال امام جواد علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۷۵) و بار دیگر در زمره یاران امام هادی علیه السلام (همان: ۳۸۷) و یک بار هم در شمار یاران امام حسن عسکری علیه السلام (همان: ۳۹۹) در دو مورد هیچ اشاره‌ای به ضعف او نکرده، اما در مورد سوم به وثاقت او تصریح کرده است: «سهل بن زیاد آدمی: یکنی ابا سعید ثقة رازی» (همان: ۳۸۷) ولی در کتاب فهرست و استبصار وی را تضعیف می‌کند (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۰۸-۲۲۸؛ همو، ۱۳۹۰ق: ج ۳، ۱۲۶).

برخی از بزرگان اعتبار این توثیق را پذیرفته‌اند (بحرالعلوم، ۱۳۶۳: ج ۳، ۱۲۳) و برخی نیز آن را نپذیرفته‌اند (نراقی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۹؛ خویی، بی تا: ج ۸، ۱۳۵). موافقان می‌گویند: شیخ طوسی کتاب رجال را در اواخر عمر بابرکت خود نگاشته است؛ در حالی که کتاب فهرست را در ایام جوانی و در سن ۲۶ سالگی تألیف کرده است؛ بنابراین دیدگاه ایشان در رجال مقدم است. مخالفان اعتبار هم اشکالاتی را مطرح کرده‌اند:

اشکال اول

الفهرست نسبت به رجال متأخر است؛ اما نسبت به استبصار که متأخر نیست، پس سهل بن زیاد از دیدگاه شیخ توثیق نشده است.

جواب:

الف. استبصار یک کتاب فقهی است نه رجالی. تضعیفات که در آن مطرح شده برای ترجیح خبری بر خبر دیگر و یا رفع تعارض با مشهور و مانند آن است.

ب. استبصار کتاب مستقلاً نیست؛ بلکه خلاصه کتاب تهذیب است (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲).

ج. شیخ طوسی هم در تهذیب و هم در استبصار بر اساس روایات سهل فتوا می‌دهد و حتی در بعضی موارد، مستند فتوای او فقط روایت سهل است؛ در حالی که اگر او را

ضعیف یا احیاناً دروغگو می‌دانست، نباید براساس روایتی که وی نقل می‌کند فتوا دهد. جالب آنکه در آن‌ها به ضعف «سهل» اشاره هم نکرده است (محمدی ری‌شهری، درس خارج فقه حج، ۹۴/۱۰/۲۸) و این حداقل دلیلی است بر اینکه به صرف وجود سهل در سلسله سند، نمی‌توان روایت را کنار گذاشت.

اشکال دوم

متأخر بودن اگر کاشف از عوض شدن رأی و فتوا باشد، ارزش دارد نه در باب اخبار؛ چون در خیر دادن آنچه مهم است، خود واقعه است؛ یعنی شیخ در فهرست از عدم وثاقت سهل خبر داده است و تقدم و تأخر خبر سبب تعارض و تساقط می‌شود نه ترجیح یکی از آن دو.

پاسخ:

این اشکال قابل خدشه است؛ چون امکان دارد انسان در واقعه‌ای به دلیل بی‌دقتی و یا اشتباه معتقد به آن شود اما بعد به اشتباه خود پی ببرد و دیدگاه خود را تغییر دهد و اینکه دو خبر متضاد باشد، دلیل بر ضعف راوی نیست، بلکه دلالت بر دقت او بعد از بی‌دقتی است (مهدوی، ۱۳۹۵ش: ۱۹۷).

۱-۳. سهل بن زیاد در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۵۹ و ۳۵۱) و کامل الزیارات (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق: ج ۱، ۱۸) واقع شده است. برخی محققان مثل آیت‌الله خویی، هر فردی که در سند این کتاب آمده باشد، ثقه می‌داند (خویی، ۱۴۲۱ق: ج ۳۰، ۲۹)؛ البته ایشان در اواخر از این نظریه برگشتند.

۱-۳. از سهل بن زیاد روایات فراوانی نقل شده و به اصطلاح، کثیرالروایه است. اصحاب نیز به روایات او اعتماد داشته‌اند. نام سهل بن زیاد با حذف مکررات در بیش از ۲۳۰۴ روایت آمده است (همو، بی‌تا: ج ۹، ۳۵۸؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۳، ۲۸۲) و تنها شیخ کلینی در کتاب کافی نزدیک به ۱۷۰۰ بار با واسطه یا بی‌واسطه از او نقل روایت کرده است و این نشانه اعتماد شیخ کلینی به روایات اوست.

راویان بزرگی مثل احمد بن ادريس، احمد بن محمد بن خالد برقی در کتاب محاسن، سعد بن عبدالله، علی بن ابراهیم بن هاشم، محمد بن احمد بن یحیی اشعری، محمد بن جعفر اسدی، محمد بن علی بن محبوب و ابن قولویه از او نقل روایت کرده‌اند

(سجادی امین، ۱۳۸۵ش: ۴۵۰).

امام خمینی در کتاب الطهارة (بی تا: ج ۱، ۱۴۷) می فرماید: «إن سهل بن زیاد و إن ضَعْفَ لکنَّ المَتَّبِعِ فی روایاته یطمئنُ بوثاقته من کثرة روایاته و إتقانها و اعتناء المشایخ بها فوق ما یطمئنُ من توثیق أصحاب الرجال،...»؛ هرچند سهل بن زیاد تضعیف شده است، برای کسی که در روایات او تتبع کند، از کثرت روایات و متقن بودن مضمون آن‌ها و نیز از اعتنای مشایخ به آن‌ها، نسبت به وثاقت او اطمینانی حاصل می‌شود، بالاتر از اطمینانی که از توثیق اصحاب رجال ایجاد می‌کند....

بنابراین می‌توان گفت این سه مورد یعنی کثرت روایات، روایت اجلاً و اتقان مضمون بهترین شاهد و قرینه بر وثاقت او هستند و چنان‌که حضرت امام^ت در این عبارت آورند، سه دلیل مستقل بر وثاقت او هستند که حتی از تصریح به وثاقت علمای رجال هم اطمینان بیشتری حاصل می‌شود.

۴-۱-۳. سهل بن زیاد از مشایخ اجازه است و بر فرض ضعیف بودن، این مسئله به صحت روایات او صدمه‌ای نمی‌زند؛ زیرا کتاب‌های راویان قبل به تواتر یا شهرت وجود داشته و به دست افراد بعد می‌رسیده است و نام مشایخ اجازه صرفاً به دلیل اتصال سند و یا تیمن و تبرک می‌آمده است.

آیت‌الله اراکی درباره اعتبار سهل بن زیاد گفته است: «... و سهل بن زیاد مختلف فی توثیقه، ولکنه من مشایخ الاجازة للکتب المشهورة، مع ان المشایخ العظام نقلوا عنه کتفه الاسلام والصدوق والشیخ قدس اسرارهم...» (اراکی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۱۳۳)؛ در مورد توثیق سهل بن زیاد اختلاف است؛ اما او از مشایخ کتب مشهوره است علاوه بر اینکه مشایخ بزرگ از او نقل روایات کرده‌اند مثل شیخ صدوق و شیخ طوسی....

وحید بهبهانی در کتاب مصابیح الظلام (۱۴۰۲ق: ج ۲، ۴۹۶) به وثاقت سهل بن زیاد تصریح کرده، در حاشیه بر مجمع الفائده پس از نپذیرفتن ضعف سهل بن زیاد می‌گوید: «علی ان ضعف سهل، سهل، وانه من مشایخ الاجازة، یذکرونه لمجرد اتصال السند، وانه مقبول الروایة البتة، فهی کالصحیحة عندهم...»؛ علاوه بر اینکه ضعف سهل بن زیاد سهل است (یعنی مهم نیست) چون او از مشایخ اجازه است (بهبهانی، ۱۴۲۴ق: ۶۶۲).

۵-۱-۳. شیخ طوسی در کتاب فهرست، سهل را تضعیف (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۲۸، ش

۳۳۹) و در عین حال در کتاب *رجال* وی را توثیق نموده است، و با توجه به اینکه کتاب *رجال* بعد از کتاب *فهرست* نوشته شده است، معلوم می‌شود مرحوم شیخ طوسی از نظر خود در *فهرست* برگشته و قائل به وثاقت این راوی شده است.

محقق خوئی در اشکال به این وجه فرموده است: «اولاً، ان هذا انما یتم فی الفتوی دون الحکایة والأخبار، فان العبرة فیها بزمان المحکی عنه دون زمان الحکایة، فبین الحکایتین معارضة لا محالة»؛ اولاً این مطلب تمام است در مورد فتوا نه در مقام حکایت و خبر دادن (خوئی، بی تا: ج ۹، ۳۵۷).

در پاسخ به اشکال محقق خوئی می‌توان گفت: رجالی‌ها در بیان وثاقت و ضعف راوی صرفاً حاکی و مخبر نیستند؛ بلکه در بسیاری از موارد توثیق یا تضعیف یک راوی را براساس قراین و اجتهاد خود، احراز و بیان می‌کنند؛ لذا ممکن است شیخ طوسی در کتاب *فهرست* اعتقاد داشته سهل ضعیف است و در کتاب *رجال* از آن برگشته و قائل به وثاقت او شده است (سجادی امین، ۱۳۸۵ش: ۴۵۳).

هرچند به گفته نجاشی، سهل بن زیاد «ضعیف الحدیث» بوده است، یعنی در نقل احادیث دقت کافی نداشته است و چه بسا از روایان ضعیف روایت نقل می‌کرده یا بر روایات مرسل اعتماد می‌کرده است. هیچ‌یک از این‌ها دلیل بر ضعف و بی‌اعتباری او دلالت ندارد، بلکه روایات او در هر مورد باید بررسی شود، در صورتی که روایات او از جهات دیگر مشکل نداشته باشد، نمی‌توان آن روایات را به سبب وجود سهل بن زیاد در سندشان بی‌اعتبار دانست.

افزون بر این، راه توجیه برای همان روایاتی که سهل از روایان ناشناس نقل کرده نیز باز است، زیرا می‌توان گفت به گمان بسیار، همان‌گونه که بینش اعتقادی و سطح شناخت روایان و اهل حدیث باهم متفاوت بوده، شیوه نگرش آن‌ها به امر حدیث و نقل آن نیز با یکدیگر فرق داشته است. مثلاً باور برخی از آن‌ها این بود که حدیث شخص ضعیف را هرگز نباید شنید و آن را منتشر کرد - چنان‌که از نهی احمد بن محمد بن عیسی از شنیدن و نقل احادیث سهل برمی‌آید - و برخی دیگر معتقد بودند که چنین احادیثی را هم باید شنید و حفظ کرد و تا هنگامی که با اصول بنیادین مذهب منافاتی نداشته باشد، انتشار آن‌ها نیز ایرادی ندارد. و چه بسا احادیث بسیاری که بر پایه دیدگاه

نخست هیچ‌گاه نقل نشد و هرگز به دست ما نرسید؛ درحالی‌که اگر مطابق با دیدگاه دوم با آن‌ها رفتار می‌شد و امروز در کتاب‌های روایی ما موجود بود، دشواری‌های بسیاری را از ما حل می‌کرد.

۴. نتیجه‌گیری

سهل بن زیاد آدمی ملقب به رازی یکی از راویان کثیرالحدیث شیعه است. به‌رغم اینکه به نظر نجاشی و ابن‌غضائری و دیگران، سهل بن زیاد «ضعیف الحدیث» است، یعنی در نقل احادیث دقت کافی نداشته است و چه‌بسا از راویان ضعیف روایت نقل نموده و یا بر روایات مرسل اعتماد داشته است، اما هیچ‌یک از این‌ها دلیل بر ضعف و بی‌اعتباری او دلالت ندارد، بلکه روایات او در هر مورد باید بررسی شود. در صورتی‌که روایات او از جهات دیگر مشکل نداشته باشد، نمی‌توان آن روایات را به‌سبب وجود سهل بن زیاد در سند بی‌اعتبار دانست.

به نظر می‌رسد در صورتی‌که مبانی توثیق و تضعیف به‌درستی تبیین گردد، اثبات وثاقت سهل کار دشواری نباشد. چون علت اساسی در عدم توثیق سهل تضعیف وی از سوی احمد بن محمد بن عیسی اشعری می‌باشد که بازتاب دیدگاه سخت‌گیرانه قمیین در مورد غلو است، همان‌گونه که در متن بیان شد، این بینش مبنای علمی ندارد و مورد قبول و تأیید همه علمای علم رجال و فقها نیست. بنابراین تضعیفی که مبتنی بر آن است، نیز پذیرفته نیست؛ افزون بر آنکه احمد بن محمد قمی در مواردی دیگر مانند متهم کردن خالد بن برقی به نقل از ضعفاء و اخراج او از شهر قم و اعتراف به اشتباه خود و برگرداندن او به شهر قم، اعتبار دیدگاه اجتهادی او در حق سهل را تضعیف می‌کند.

سهل بن زیاد را تضعیف نموده است، در کتاب *رجال*، او را توثیق کرده و با توجه به اینکه کتاب *رجال* بعد از کتاب *فهرست* نوشته شده است، معلوم می‌شود مرحوم شیخ طوسی از نظر خود در *الفهرست* برگشته و قائل به وثاقت این راوی شده است. شیخ طوسی در *تهذیب* نزدیک ۴۳۷ روایت و در *استبصار* نزدیک ۱۴۲ روایت از سهل بن زیاد نقل کرده که همین شمار بسیار، نشانه اعتماد ایشان به سهل است.

افزون بر این، شواهد بسیاری بر وثاقت سهل موجود است که مهم‌ترین آن‌ها

عبارت‌اند از: فراوانی روایات از سهل در کتاب‌های مهمی مانند کافی، فراوان بودن نقل اجلاً از وی، از مشایخ اجازه بودن سهل بن زیاد و تأیید اعتبار و وثاقت ایشان از سوی اکثر علمای معاصر مانند امام خمینی، آیت‌الله اراکی، آیت‌الله شبیری زنجانی و آیت‌الله سبحانی.

- بنابراین بر این پژوهش آن است: به‌رغم اتهامات و تضعیفاتی که درباره سهل وارد شده، با توجه به شواهد زیادی که بر وثاقت او وجود دارد، می‌توان سهل بن زیاد را مورد وثوق دانست و بر روایات او اعتماد کرد و تنها به دلیل وجود سهل بن زیاد در سند یک روایت نمی‌توان آن روایت را بی اعتبار دانست.

منابع

قرآن کریم.

ابن غضائری، احمد بن حسین. (۱۴۲۲ق). رجال ابن غضائری (سید محمدرضا حسینی جلالی، محقق). قم: دارالحدیث.

ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۹۸ق). کامل الزیارات. نجف: دارالمرتضویه.

اراکی، محمدعلی. (۱۳۷۹ش). کتاب الصلوة. قم: دفتر آیت‌الله اراکی.

_____ (۱۳۷۴ش). کتاب الطهارة. قم: مؤسسه در راه حق.

اردبیلی (مقدس اردبیلی)، احمد بن محمد. (بی تا). مجمع الفائدة والبرهان (مجتبی عراقی، محقق). قم: مؤسسه نشر اسلامی.

انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق[الف]). کتاب الصلاة (گروه پژوهش کنگره، محقق و مصحح). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

_____ (۱۴۱۵ق[ب]). کتاب الطهارة (گروه پژوهش کنگره، محقق و مصحح). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

ایزدی، مهدی. (۱۳۹۷ش). جستاری در رویکردهای ابن غضائری به توثیق رجال همراه با واکاوی مفهوم غلو در اندیشه رجالی، حدیث پژوهی، ۱۰ (۱۹): ۲۰۷-۲۲۶.

بحرالعلوم، سید مهدی. (۱۳۶۳ش). فوائد الرجالیه. تهران: مکتبه الصادق.

بهبهانی، محمدباقر بن اکمل. (۱۴۲۴ق). حاشیه مجمع الفائدة والبرهان. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.

_____ (بی تا). التعليقة على منهج المقال. چاپ سنگی.

_____ (۱۴۰۲ق). مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرایع. قم: مؤسسه علامه وحید بهبهانی.

- ترابی شهرضایی، اکبر. (۱۳۸۷ش). پژوهشی در علم رجال. قم: اسوه.
- تستری، اسدالله (بی تا). مقایس الانوار و نفائس الاسرار. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- تستری، محمدتقی. (۱۴۱۷ق). قاموس الرجال. ج ۲. قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- حائری مازندرانی، شیخ محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۶ق). منتهی المقال فی احوال الرجال (گروه پژوهش آل البيت علیهم السلام، محقق و مصحح). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حر عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۲ق). وسائل الشیعه. ج ۶. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- حسینی، سید محمد بن محمد میرداماد. (۱۴۲۲ق). الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیه (غلامحسین قیصریه‌ها و نعمت‌الله جلیلی، محقق). قم: دارالحدیث للطباعة والنشر.
- حلی، جمال‌الدین احمد بن محمد اسدی. (۱۴۰۷ق). المهذب البارع فی شرح المختصر النافع (مجتبای عراقی، محقق و مصحح). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (بی تا). تذکره الفقهاء (گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، محقق و مصحح). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- _____ (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه (گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، محقق و مصحح). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب (بخش فقه در جامعه پژوهش‌های اسلامی، محقق و مصحح). مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۱۳ق). الرسائل التسع، (رضا استادی، محقق و مصحح). قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- _____ (۱۴۰۷ق). المعتبر فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سیدالشهداء علیهم السلام.
- _____ (۱۴۱۲ق). النهایة و نکتها (نکت النهایة) (گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، محقق و مصحح). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلی (فخرالمحققین)، ابوطالب محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات قواعد. قم: اسماعیلیان.
- حلی، یحیی بن سعید. (۱۳۸۶ق). نزهة الناظر (نورالدین واعظی، محقق و مصحح). نجف: مطبعة الآداب.
- حسینی، سید علیرضا. (۱۳۹۵). جستاری در آموزه‌های امامتی سه تن از راویان متهم به غلو و نشانه‌های باورپذیری آن‌ها. قم: درسنامه علمی پژوهشی امامت پژوهی، شماره ۲۰: ۱۳۲-۱۸۵.
- خوانساری، سید احمد. (۱۳۵۵ش). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع (علی‌اکبر غفاری، محقق و مصحح). تهران: مکتبه الصدوق.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی. (بی تا). کتاب الطهارة (طبع جدید). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی رحمته

_____ (۱۴۱۵ق). *المکاسب المحرمه* (گروه پژوهش مؤسسه، مصحح و محقق). تهران: مؤسسه

تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته

خوئی، سید ابوالقاسم موسوی. (بی تا). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الروات*. قم: مرکز نشر آثار الشیعه.

_____ (۱۴۲۱ق). *موسوعة الامام الخوئی* (مرتضی بروجردی، مقرر). ج ۳. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

سبحانی، جعفر. (۱۴۱۹ق). *کلیات فی علم الرجال*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

_____ (۱۴۲۴ق). *اصول الحدیث واحکامه*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

سجادی امین، مهدی. (۱۳۹۵ش). *اذن پدر در ازدواج دختر باکره*. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.

شیرازی زنجانی، موسی. (۱۳۸۲ش). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.

شوشتری، محمدتقی. (۱۴۱۰ق). *قاموس الرجال*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۹۸ق). *التوحید*. ج ۲. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

_____ (۱۴۱۰ق). *من لا یحضره الفقیه*. (علی اکبر غفاری، مصحح). قم: مکتبه الصدوق.

طوسی، محمدجعفر. (۱۴۳۳ق). *سهل بن زیاد بین الوثاقه والضعف*. چاپ سوریه: نشر مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۹۰ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

_____ (۱۴۱۵ق). *الرجال* (جواد قیومی اصفهانی، محقق). قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

_____ (۱۴۲۰ق). *النهرست* (سید عبدالعزیز طباطبایی، محقق). قم: کتابخانه محقق طباطبایی.

_____ (۱۳۸۷ق). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

_____ (۱۴۱۹ق). *استبصار* (سید حسن موسوی خراسان، محقق). قم: دارالکتب الاسلامیه.

عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی بن احمد زین الدین (۱۴۲۱ق). *رسائل الشهد الثانی* (رضا مختاری و حسین شفیعی، محقق و مصحح). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

_____ (۱۳۸۰ش). *روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

_____ (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام* (گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، محقق و مصحح). قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی. (۱۴۱۷ق). *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع* (علی پناه اشتهازدی و آقا حسین یزدی، محقق و مصحح). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم،

فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۹۰ش). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.

قمی، ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر. (۱۳۹۸ق). *کامل الزیارات*. نجف: دارالمرتضویه.

قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم. (۱۴۰۴ق). *تفسیر قمی*. ج ۳. قم: مؤسسه دارالکتاب.

کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی ج ۱-۵*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کشی، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز. (۱۴۹۰ق). *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)* (حسن مصطفوی، محقق و مصحح). مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

کرباسی، محمد. (بی تا). *رسالة فی سهل بن زیاد الادمی*. کتابخانه دیجیتال: مؤسسه تحقیقات نشر معارف اهل بیت علیهم السلام (lib.ahlolbait.com).

کریمی، محسن. (۱۳۹۷). *نگاهی تحلیلی به رفتار احمد بن عیسی در تبعد برخی از روایان*. قم: دانش ها و آموزه های قرآن و حدیث، شماره ۱: ۶۵-۸۱.

مامقانی، عبدالله. (۱۴۱۱ق). *مقیاس الهدایة فی علم الدرایة (محمد رضا مامقانی، محقق)*. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

_____ (۱۳۱۶ق). *غایة الآمال فی شرح مکاسب*. قم: مجمع ذخائر الاسلامیه.

مجلسی اول، محمدتقی. (۱۳۹۹ق). *روضه المتقین (سید حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتیاردی، محقق)*. قم: بنیاد کوشان پور.

_____ (۱۴۱۴ق). *لوامع صاحبقرانی*. ج ۲. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

مجلسی دوم، محمدباقر. (۱۳۸۷ش). *الوجیزة فی الرجال (محمد کاظم رحمان ستایش، محقق)*. تهران: همایش بزرگداشت علامه مجلسی.

محقق داماد، محمد. (۱۳۸۱ش). *کتاب الحج*. قم: نشر اسراء.

محمدی (ری شهری)، محمد. (۱۳۹۴/۱۰/۲۸). *درس خارج فقه حج: موضوع وضعیت رجالی سهل بن زیاد*. پایگاه رسمی محمدی ری شهری.

مسجدی، حیدر عبدالکریم. (۱۳۹۵ش). *دراسة فی شخصیه سهل بن زیاد وروایتہ*. قم: دارالحدیث.

مهدوی، حسن. (۱۳۹۱ش). *سهل بن زیاد در آیینة علم رجال*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.

_____ (۱۳۹۵ش). *بررسی شخصیت رجالی و حدیثی سهل بن زیاد*. قم: مجله فقه اهل بیت، شماره ۸۸: ۱۷۵-۲۱۰.

نجاشی، ابوالحسن احمد بن علی بن احمد. (۱۴۰۷ق). *فهرست أسماء مصنفی الشیعة (رجال النجاشی)*، (سید موسی شیرازی، محقق و مصحح). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم.

نجفی، محمد حسن بن باقر. (بی‌تا). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام* (عباس قوچانی، محقق و مصحح). ۷. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نراقی، ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). *شعب المقال فی درجات الرجال* (محسن احمدی، محقق). ۲. قم: کنگره بزرگداشت علامه نراقی.

References

The Holy Quran.

- Amelī (Shahid Sanī), Zain al-Din ibn Ali ibn Ahmed Zain al-Din (2000), *Rasail al-Shahid al-(Reza Mokhtarī and Hossein Shafiei, researcher and proofreader) Qom: Office of Islamic Propaganda of Qom Seminary. [In Arabic]*
- (2001) *Ruz al-Jinan fi Sharh Irshad al-Azhan*. Qom: Bustan Ketab Institute. [In Arabic]
- (1992) *Masalak al-Afham*. (Research group of the Institute of Islamic Education, researcher and proofreader) Qom: Islamic Encyclopaedia Institute. [In Arabic]
- Arāki, Mohammad Ali (2000). *Kitab Al-Salat*. Qom: Office of Ayatullah Araki. [In Arabic]
- (1995) *Kitab Al-Taharah*. Qom: Dar Rah-e Haq Institute. [In Arabic]
- Ansārī, Morteza (1994). *Kitab Al-Taharah*. First edition. Research Group of the Congress. Qom: World Congress of Commemoration of Sheikh Azam Ansari. [In Arabic]
- (1994), *Kitab al-Salah*. (Congress Research Group, Proofreading Researcher) Qom: World Congress in honor of Sheikh Azam Ansari, first edition. [In Arabic]
- Ardabīlī (Muqadas Ardabili), Ahmed ibn Muhammad (N.D.). Mojtaba Araqi, researcher. Qom: Islamic Publishing House. [In Arabic]
- Behbahānī, Mohammad Bagher ibn Akmal. (2003). *Hashiatah Majma' Al-Fedath va Burhan*. Qom: Allameh Mujaddid Vahid Behbahani Institute. [In Arabic]
- (N.D.) *Al-Taliqah Ala Manhaj al-Maqal*. Chap-e Sangi. [In Arabic]
- (1981) *Masabih al-Usbam in the description of Mofatih al-Sharia*. Qom: Allameh Mujaddid Vahid Behbahani Institute. [In Arabic]
- Bahrul Uloom, Seyyed Mehdi. (1984). *Favaed Al-Rajalah*. Tehran: Al-Sadegh School. [In Arabic]
- Hāerī Mazandarānī, Sheikh Muhammad ibn Ismail (1995), *Mantah al-Maqal fi ahwal al-Rajal*. (Al Al-Bait research group, researcher and proofreader). Qom: Al Al-Bait Institute. [In Arabic]
- Hosseini, Seyyed Muhammad ibn Muhammad Mirdamad (2001) *Al-Rawasheh al-Samawiyah fi Sharh al-Ahadith Al-Amamiya*. (Gholam Hossein Qeysariha and Ne'matullah Jalili, researcher), Qom: Dar al-Hadith for printing and publishing. [In Arabic]
- Hallī, Jamal al-Din Ahmed ibn Muhammad Asadi (1986), *Al-Muhazab al-Bara' fi Sharh al-Mukhtasar al-Nafi'*. Mojtaba Araqi, researcher and corrector. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom University College Teachers Society. [In Arabic]

- Hallī, Hasan ibn Youssef ibn Motahar Asadī, (N.D.), *The Book of Fiqha*. (Research Group of Al Al-Bayt Institute, Researcher and Corrector), Qom: Ahl Al-Bayt Institute. [In Arabic]
- (1992) *Various Shi'a in Al-Ahkam Al-Sharia*. (Research Group of the Islamic Publications Office, Researcher and Corrector). [In Arabic]
- (1991) *Montahi al-Matlab fi Tahqiq Al-Mazhab*. (jurisprudence section in the Islamic research community, researcher and proofreader). Mashhad: Islamic Research Council. [In Arabic]
- Hallī, Muhaqiq Najm al-Din Jafar ibn Hasan, (1992) *Al-Rasal al-Tsa'a*. (Reza Ostadi, researcher and proofreader) Qom: Ayatullah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
- (1986) *Al-Motabar fi Sharh al-Mūkhatsar*. Qom: Sayyed al-Shohada Institute. [In Arabic]
- (1991) *Al-Nayah va Nokteha* (Nokatah Al-Nahayah). (Islamic Publications Office Research Group, Researcher and Corrector) Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Theological Seminary Teachers Society. [In Arabic]
- Fāzel Abi, Hassan ibn Abi Talib Yousefi, (1996) *Discovering the Symbols in a Short Description of the Benefits*. (Ali Panah Eshtehardi, Agha Hossein Yazdi, Researcher and Proofreader) Qom: Islamic Publications Office attached to the Qom Seminary Teachers Society. [In Arabic]
- Fāzel Lankaranī, Muhammad (2010). *Explanation of the Shari'ah in the book of Tahrir al-Wasila*. Vol. 1. Qom: Jurisprudential Center of Infallible Imams (PBUT). [In Arabic]
- Hallī (Fakhr al-Muhaqeqin), Abu Talib Muhammad ibn Hasan, (2008) *Explanation of the Benefits in the Explanation of the Problems of the Rules*, Qom: Esmaeilian. [In Arabic]
- Hor Amolī, Muhammad ibn Al-Hassan, (1981) *Wasael al-Shia*. 6th edition, Tehran: Maktabah al-Islamiya. [In Arabic]
- Hallī, Yahya ibn Saeed (2007). *Nazh al-Nazir*. (Nur al-Din Vaezi, researcher and proofreader). Najaf: Al-Adab Press. [In Arabic]
- Ibn Ghazaeri, Ahmad ibn Hossein. (2001). *Rijal Ibn Ghazaeri*. (Seyed Mohammad Reza Hosseini Jalali, researcher). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Ibn Qolwieh, Jafar ibn Muhammad. (2019). *Kamel Al-Ziyarat*. Najaf: Dar al-Mortazawieh. [In Arabic]
- Khomeinī, Seyyed Ruhollah Mousavi, (N.D.) *Ketab al-Tahara*. (new edition). Tehran: Institute for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Khoei, Seyyed Abulqasem Mousavi, (N.D.) *Mo'jam Rijal al-Hadith va Tafsil Tabaqat Al-Rawat*. Qom: Shia Works Publishing Center. [In Arabic]
- (2000) *Encyclopaedia of Imam Al-Khoei*. (Mortaza Boroujerdi, Moqarar) Qom: Institute for Revival of Imam Al-Khoei's Works, 3rd edition. [In Arabic]
- Koleinī, Abu Jafar Muhammad ibn Yaqub, (1986). *Al-Kafi*. vol. 1, 2, 3, 4, 5, Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyya. [In Arabic]
- Keshī, Abu Amr Muhammad ibn Omar ibn Abdul Aziz, (1988) *Akhtar al-Marifa al-Rijal* (Rījal al-Kashī). (Hasan Mostafavī, researcher and proofreader) Mashhad: Mashhad University Publishing House. [In Arabic]
- Mamqānī, Abdullah, (1990) *Meqbas al-Hedayah fi Elm Al-Daraya*. (Mohammed Reza Mamqani, researcher) Qom: Al Al-Bayt al-Ehya al-Toras Institute. [In Arabic]

- (1937) *Ghaya al-Amal fi Sharh al-Makasab*. Qom: Majma'a al-Zakhayer Al-Islamiyya. [In Arabic]
- Majlesi I, Mohammad Taqi, (2019) *Al-Mutaqeen University*. (Seyed Hossein Mousavi Kermani and Ali Panah Eshtehardi, researcher) Qom: Kushanpour Foundation. [In Arabic]
- (1993) Lavame' Sahibqarani, Qom: Ismailian Institute, Edition 2. [In Arabic]
- Majlisi II, Mohammad Baqer, (2008) *Al-Wajizeh Fi al-Rajal*. (Mohammed Kazem Rahman Setayesh, Researcher) Tehran: Allameh Majlisi Commemoration Conference. [In Arabic]
- Masjidi, Haydar Abdul Karim, (2016) *Essay on the personality of Sahl ibn Ziyad and tradition*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Mahdavi, Hassan, (2012) *Sahl ibn Ziyad in the mirror of the science of men*. Qom: Jurisprudential Center of Infallible Imams (peace be upon them). [In Persian]
- (2016) *Researching the personality of Sahl ibn Ziyad*, Qom: Ahl al-Bayt Jurisprudence Magazine, No. 88. [In Arabic]
- Mohammadi (Ray Shahrī), Mohammad (2014). Foreign course on Hajj jurisprudence: the subject of the status of men of Sahl ibn Ziyad. Official website of Mohammadi Ray Shahrī. [In Persian]
- Muhaqiq Dāmād, Muhammad (2002). *Book of Hajj*. Qom: Isra Publishing House. [In Arabic]
- Najashi, Abu Al-Hassan Ahmad ibn Ali ibn Ahmad, (1986) *List of Names of Al-Shi'a Authors* (Rajal al-Najashi), (Seyed Musa Shubairi Zanjani, Researcher and Proofreader) Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Theological Seminary Society. [In Arabic]
- Najafi, Muhammad Hassan ibn Baqir, (N.D.) *Jawahar al-Kalam*, (Abbas Quchani, researcher and proofreader) Beirut: Dar Ihya Al-Trath al-Arabi, 7th edition. [In Arabic]
- Narāghī, Abu al-Qasim, (2001) *Shab al-Maqal fi jirah al-Rijal*, T (Mohsen Ahmadi, Researcher), Qom, Allameh Naraghi Honoring Congress, second edition. [In Arabic]
- Qomī, Ibn Qolouyeh, Abu al-Qasim Jafar ibn Muhammad ibn Jafar (2019). *Kamele al-Ziyaratat*. Najaf: Dar al-Mortazawieh. [In Arabic]
- Qomī, Ali ibn Ibrahim ibn Hashem (1983). *Qomī's commentary*. Qom: Dar al-Kitab Institute, third edition. [In Arabic]
- Sobhāni, Jafar, (1998) *Koliat fi Elm al-Rijal*. Qom: Qom Seminary Management Center. [In Arabic]
- (2003). *Principles of hadith and rulings*. Qom: Institute of Imam Sadiq, PBUH. [In Arabic]
- Sajjadi Amīn, Mehdi, (2015) *Father's permission in the marriage of a virgin girl*. Qom, Women and Family Research Center. [In Persian]
- Shubairi Zanjanī, Mūsā, (2003), *Nikah Book*. Qom: Rai Pardaz Research Institute. [In Persian]
- Sadouq, Muhammad ibn Ali ibn Baboyeh (2019). *Al-Tawheed*. Qom: Jamia Modaresin Publications, second edition. [In Arabic]
- Tostari, Mohammad Taqi. (1996). *Qamous Al-Rijal*. Edition 2. Qom: Islamic publishing institute affiliated with Qom teachers community. [In Arabic]
- Tostari, Asadullah (N.D.) *Comparison of Al-Anwar and Nafais al-Asrar*. Qom: Al-Bayt

- Institute. [In Arabic]
- Torabī Shahrezaei, Akbar (2008). *A study in the science of men*. Qom: Osveh. [In Persian]
- Tabasī, Muhammad Jafar (2011). *Sahl ibn Ziyad between trust and weakness*. Syrian edition: Publication of the Jurisprudential Center of Infallible Imams, peace be upon them. [In Arabic]
- Tūsī, Abu Jafar Muhammad ibn Hassan, (2011) *Al-Istbasar Fima Akhtulf Man Al-Akhbar*. Tehran: Dar al-Ketab Islami. [In Arabic]
- (1994) *Al-Rajal*. (Javad Qayoumi Esfahani, researcher) Qom: Islamic publishing institute affiliated with the community of teachers. [In Arabic]
- (1999) *Al-Fahrest*. (Sayed Abdulaziz Tabatabayi, researcher) Qom: Mohagheg Tabatabayi Library. [In Arabic]
- (2008) *Tahzeeb al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- (1998) *Astabsar*. (Seyed Hassan Mousavi Khorsan, researcher). Qom: Dar al-Katb al-Islamiya. [In Arabic]



Sahl ibn Ziyad's Weaknesses and Validations in the Scale of Arbitration

Ali Karbalaei Pazoki

*Associate Professor, Department of Islamic theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
(Corresponding Author); karbalaepazoki@atu.ac.ir*

Fatemeh Najafi Pazoki

*Fourth Level Student, Imam Hassan Mojtaba Higher Education Institute, Iran;
yazahra822@yahoo.com*

Saleh Hassanzadeh

*Professor, Department of Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran;
Hasanzade@atu.ac.ir*

Received: 10/06/2022

Accepted: 25/08/2022

Introduction

Sahl ibn Ziyad Adami, nicknamed Razi, is one of the transmitters of many Shia hadiths. This transmitter has understood the presence of Imam Javad, Imam Hadi, and Imam Hasan Asgari (pbuh). Many traditions have been narrated from this transmitter; for example, Kuleini narrated more than 150 cases directly from Sahl ibn Ziyad in his Kafi book. However, there is a difference of opinion regarding their reliability and lack of reliability. The importance of this study shows that despite the fact that Sahl ibn Ziyad is one of the transmitters of many hadiths and many hadiths have been narrated from him in Kafi book, most of the jurists have weakened Sahl ibn Ziyad and do not trust his hadiths before Muhaqiq Behbahani.

However, Muhaqiq Bihbahani in his "ta'liqat on Manhaj al-Maqal", p. 176 and the book of Masabih al-Zilam, vol. 2, p. 496, seeks to prove the reliability of Sahl ibn Ziyad. After Muhaqiq Behbahani, many researchers have believed in his reliability or at least the validity of his traditions. The question is, what is the basis of weakening Sahl ibn Ziyad? Are these weaknesses true about him? Are the validations made about Sahl ibn Ziyad defensible? The importance of this study is that proving the reliability of Sahl ibn Ziyad or lack of it will have an important impact on the field of Shia religious and jurisprudential education.

Methodology

In order to achieve this goal, an Isnad and a descriptive and analytical method, and in some cases, a comparative method have been used. Following the views of Rijal books such as Rijāl Ghada'iri, Rijāl Shaykh Tusi, Rijāl Najashi, Rijāl Kashshī, and... we carefully examined the different views about Sahl ibn Ziyad and by comparing them, we explained the basis of the viewpoint of validating and weakening of Sahl ibn Ziyad and the reason for his weaknesses.

Results and Discussion

By following the words of thinkers and the books of Rijali, we concluded that if we understand the reasons for the weakening of Sahl ibn Ziyad in the words of some great ones such as Kashshī, Ibn Walid, Shaykh Tusi, Ghada'iri, and Najashi, then we can explain their words. For example, Najashi in this sentence: "Kan Zaifa fi Hadith..." (He was very weak in hadith) did not consider Sahl ibn Ziyad to be weak, but attributed the weakness to his hadiths, which shows that he does not accept his method of narrating hadiths, and the phrase «غير معتمد فيه» (He is unreliable) also indicates the unreliability of Sahl ibn Ziyad in hadiths. Many researchers have come to the phrase «ضعيف في الحديث» (weak in hadith) to refer to weakness and trust in messengers. For example, Sahib Jawahar says that Najashi said about Sahl that he is weak in hadith, and Ibn Ghada'iri also said that he narrates weak hadith and relies on the traditions of the messengers. These words do not contradict the validation of Sheikh Tusi and Allameh, because these taunts are about his traditions and not Sahl ibn Ziyad himself. It seems that if the bases of validating and weakening are explained correctly, proving the reliability of Sahl is not a difficult task. The main reason for not attesting to Sahl is his weakening by Ahmad ibn Muhammad ibn Isa Ash'ari, which is a reflection of Qomiein's strict view on "extremism" (Ghuluww); but this view has no scientific basis and is not accepted and confirmed by all the scholars of jurists. Therefore, the weakening that is based on it is also not accepted. In addition, there is much evidence on the reliability of Sahl, the most important of which are: the abundance of traditions about Sahl in important books such as Kafi, the abundance of quotes from great figures, the validation of Sahl ibn Ziyad and his reliability by the contemporary scholars such as Imam Khumeini (ra), Ayatullah Araki, Ayatullah Shubairi Zanjani, and Ayatullah Sobhani. Therefore, despite the accusations and weaknesses that have been made about Sahl, considering the much evidence on his reliability Sahl ibn Ziyad can be considered reliable and his traditions can be trusted, and because of the existence of Sahl ibn Ziyad in the document of a tradition, that tradition cannot be considered invalid.

Conclusion

By following the words of intellectuals and the books of Rijali, I reached the fact that the important reason for weakening Sahl ibn Ziyad Adami by the early

scholars is the reflection of their strict view and narrow definition of "extremism" (Ghuluww), but the later scholars had a more extensive definition and different opinions about Ghuluww. Therefore, they defended the reliability of Sahl ibn Ziyad and considered him trustworthy, and accepted the traditions narrated by Sahl ibn Ziyad. Thus, based on the strictness of his predecessors, he is considered a hypocrite, but based on the extended definition of his early and later scholars, he is reliable. This research considers the second point of view to be fairer according to the investigation and it cannot be considered invalid just because of the existence of Sahl in the narrative document.

Keywords: Ghuluww, Sahl ibn Ziyad, Rijāl Science, reliability of the transmitter

